

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه حقیقی
ویومیه (جلالتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روزها
طبع و توزیع میشود

ویومیه

کَمَلُ الْمَلِئِینِ

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۲۰ فران
سایر بلاد داخله ۲۵ قران
روبیہ و قفقاز ۱۰ منک
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت یک نسخه)
در طهران یکصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است
اعلان سطری دو قران است

(روزنامه ویومیه من آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه)
(بامضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است و مطلقاً مسرد نمی شود)

پنج شنبه ۱۴ ربیع الاول ۱۳۲۶ هجری قمری ۲۷ فروردین ماه حلالی ۱۶ آوریل ۱۹۰۸ میلادی

((تشکر و اخطار از طرف اداره))
بحمد الله و الله از میامن الطاف باری و توجهات
خاصه هموطنان کرامی سال اول روزنامه ملی ویومیه
جلالتین اختتام یافته و آنچه ما را میسر و مقدور بوده
در تعهد باین خدمت بانجام رسید تشکرات صمیمانه
خود را بعامه هموطنان از مساعدت و همراهی باین اداره
اسلامی تقدیم نموده و از تفقد و مراسم مرانبوارادت
و اخلاص خویش را اظهار میداریم
مخصوصاً کمال امتنان و تشکر را داریم از کسی که بذل توجه و
مساعدت فرموده و در همراهی با ما در طبع و نشر حریده
ملیه مدد و کمک فرموده اند خاصه از وکلای اداره و مشترکین
محترم دار الخلافه و سایر شهرها و مخصوصاً از سرکار
مسیو [آتون] رئیس مطبعه فاروس که الحاق زیاده از حد
ما را ممنون و متشکر از در دستکاری و حسن رفتار و همراهی
در طبع روزنامه نموده اند و نهایت امتنان را از ایشان
داریم انشاء الله بهمان ترتیبی که در سابق عرض شد از
روز شنبه ۱۶ ربیع الاولی شروع بسال دوم می کنیم از
مشترکین عظام دار الخلافه و سایر نقاط و وکلای ولایات
خواهشمندیم که محاسبات سال اول اداره را بسا بعد نینداخته
و از ادای این وجه ناقابل بر ما منت گذارند و نیز هر یک
از مشترکین دار الخلافه که مایل اشتراك نیستند بدیدن نمره
اول سال دوم بتوسط فرانس یا کتبا باداره استعفای خود
را قبل از وقت ارسال دارند که ترتیب دفتر و حساب
اداره معشوش نکرده و هر یک از مشترکین که از نمرات
سال اول کسر دارند صورت آنرا باداره فرستاده ارسال
می شود

و از مشترکین سال دوم متنی چنانچه که همراه یک

نمره از روزنامه ایشان نرسیده فوراً اطلاع داده جریان
می شود دیگر آنکه وکلای بلاد اسامی مشترکین سال دوم را
باداره فرستاده که ذر دفتر ثبت و آدرس باسماشان فرستاده
شود و همچنین در خصوص وقایع نگاری بهمان تعهدات
و شرایطی که در سابق ذکر شده از درست کاری و راست
کرداری و بیغرضی و غیره یاد آوری کرده هر کس
مایل است اظهار نموده قرار و دستور العملش فرستاده
خواهد شد

((مال کار بکجا میانجامد))

(راجع بشماره قبل)

وقتی که اندکی تامل باوضاع حالیه نموده و ملاحظه
روزگار خود را مینماییم می بینیم از عدم مال اندیشی
و غفله از پایان کار افق مملکت ما را ابرهای مظلم عرض
و جهالة و فحاشی بطوری کرد و تار نموده که در پس
این پردهای ظلمت و وراء اینهمه حجاب تاریک که مسدود
ظلمت بعضها فوق بعض واقع شده جمال دلارای شاهد
سعادت و لعبت عذرای معشوق استقلال بهیچوجه مرئی
و دیده نمیشود و تبحر انوار ترقی و تابش آفتاب تمدن
خوبی بعید و دشوار مینماید بلکه از تراکم سحاب مظلمه
و تهاجم فتنایای مدهمه یک حاله یأس و حرمان دوراندیشان
و باریک بینانرا دست میدهد که راه نجاترا مسدود تصور
نموده و در نهایت خوف و بیم عاقبت خود را بس وخیم
مشاهده می کنند و در آینه حال چهره استقلال خود
را در دوره آتیه و زمان استقبال بهیچ دهشت نانه و
منظری ترساننده که آثار حزین و ملال از جبهه اش پیدا
و غبار فنا و زوال بر ناصیه اش هویداست می نمایاند آیا
در این عقیده محقند یا نه؟ سنجیده و فهمیده میگویند یا

خبر؟ عقل سلیم بشهادت حیات و اوضاع کنونی زمانه و انقلاب داخله و نفوذ بیگانه میگوید کشتی حیات دولت و ملت ایران در بحر زخار سیاست که امواج بتکات اجانب هر لحظه بیگانهش میکشد و طوفان تدابیر و جل بیگانگان هر دم بفرقاب میکشدش اگر همین حال بماند و نسیم مراد از هیچ جایی نوزد عاقبت دچار چار موجه فنا و غرقه در گرداب بلا خواهد شد البته در سفته که ناخدا خدا را منظور ندارد و بر جان خود و ساکنین آن کشتی ترحم نماید و از خطر و هلاک نیندیشد و یا کارکنان سفته بیوقوف و بفکر برهنه کردن مسافری و بدریا افکندن ساکنین باشند لابد باید دل بر هلاک نهاد و آماده مرگ شد خاصه در وقتی که سکان کشتی نیز در بند حفظ خود نباشند و طریق نجات و راسلامت را نه پیماید اگر چه تا ابدی کفر و در هر نومیدی بسی امید است و پایان شب سیاه روز سبید ولی به بینیم چه چیز ما را در آتیه این مملکت امید وار میکند و بر حفظ استقلال دولت و بقای ملة اطمینان میدهد آیا قناعت همسایگان؟ یا عدم طمع در کشور ستانی ایشان؟ اینکه نیست زیرا می بینیم اجانب از هر طرفی گمند تسخیر افکننده و هر لحظه بفکر صید ما هستند و همسایگان چون ازدهای دمان قصد بلعیدن ما را دارند و اندیشه بر چیدن اساس ما را کرده اند روز بروز تنوذ خود را در ما افزوده و احتیاجات ما را بخود بیشتر می کنند چیزی نمیگذرد که بار مذلة پر دوش ما گذارده و ضوق عبودیت بر کردمان افکنند چنانکه می بینیم انجمنه را بسی با مملکت دیگر نموده و بسی ملل بدبخت را بمهالك سخت دچار کرده اند همین شطرنج محبت و دوستی و ترد تجارت و همراهی را در نفع سیاست ما دیگران باخته و خانه و لانه ایشانرا از هر چه بود پرداخته اند بساخر یقاترا در ششدر حیرت پیاده و مات کرده و خود بر اسب پیلتن سعادت سوار و ما بملک حریر را در قبضة تملک و اقتدار خود آورده اند و از همین دست است که اکنون دولت ما را در مقارنه با کباز و در سوز و ساز انداخته اند کمرک ماترا مرهون و مملکت ما را مدیون خویش نموده اند تا عاقبت چه روز سیاهی پیشمان آرد وجه سزای غفلتی در کنار مان گذارند مباد آرزوی که سلطنت شش هزار ساله برباد رود و مقابر اجداد و نیاکان ما بدست بیگانگان افتد تکیه گاه کین نشیمنگاه فرنگان شود و مساجد مسلمانان کنائس اجنbian

کنکره لاهی نیز تامین استقبال ما را نخواهد کرد اشتباهی است بر رجال ما شده انمقاد کنکره صلح فقط محض حفظ حقوق و روابط دول جنگجو و

مقدریست که همسر و همسنگ و در یک پایه اند نه دول ضعیف و پسمایه دعوی که ازدول ضعیف الاستقلال میشود و نمایندگی که می طلبند برای خالی نبودن عریضه است و محض یکم کردن و پراشه نمودن و دلخوش و سر کرم داشتن ایشان و هم جلوگیری از اتحاد و یکی شدنشان که مبادا صورت اجتماعی نشان داده و غایب احداث نمایند ورنه از غرش توپ فرانسه در مراکش که اعضای لاهیرا مانع از استماع نطق یکدیگر است چرا جلوگیری نمیکنند و بانک واغوثای مظلومین کره که خرق ماسع اهل کره را نموده اسفا نمیفرمایند

پس باید در این وقت تنگ و راه خطرناک دل بهمراهی این و آن نه بست و بیک همتی کرم و غیرتی واقعی مردانه از این ورطه هولناک رخت بیرون کشید بخدا که در روز بدبختی و هنگام سختی (که خدایا ایرانیان آن روز را نه بینند) حقوق ملل و قوانین دول نیز بحال ما سودی نخواهد بخشید و ما را از جنکال کرکان اجانب نجات نخواهد داد حقوق هر مائی را سر نیزه نظام ثابت می کند و قانون دولت را توپ جهان کوب بحری می دارد کدام دولت بزرور بقوت حقوق ملل خود را حفظ کرده کدام ملة عاجز باین اسم توانسته است تامین استقلال خود نماید . آیا حقوق ملل وسیله نجات خواهد شد؟ و ما را از موضوع رقابت همسایگان خلاص خواهد نمود؟ آیا با بودن حقوق ملل حقوق خارجی دولت ایران یا یقال نشد و حق ثابت ما را بتصرف دیگران نداد نظارت ما در مشاهده مشرفه سکارفت حق تعیین پاشانی بقدا چه شد؟ حقوق مادر افغانستان چه شد؟ از برکت حقوق ملل است که گذشته از خارجه حق حکومت دولت قوی شوکت ما را در داخله منحصر بگرفتن مالیات و عوارض دیوانی نموده از مرشا کرد مکتبی که تعریف حقوق ملل را جویا شوی میگوید عبارت از قواعد و قوانینی است که از برای روابط هیئت اجتماعیه نوع بشر وضع و ایجاد میگردد و بقوه جبر بحری میشود پس باندان زور هیچ ملتی دارای حق نخواهد شد بلکه مغلوب و منکوب دیگران خواهد بود و حق ثابتش بتصرف بیگانگان — از این مقدمات معلوم شد که باید صرف نظر از خارجه نموده و امید بهبودی از وسائل خارجه در آتیه این ملک نبایده داشت بلکه همیشه باید مراقب رفع مخالفت و جلوگیری تجاوزات بیگانگان شد پس باید عطف توجه بداخله خود کنیم به بینیم چه چیز اساس ملیت ما را محکم داشته و بیان استقلال دولت ما را حفظ میکند؟ از موجبات ترقی و وسائل اقتدار چه داریم؟ و دفع مخاطرات رابجه وسیله میتوانیم؟ باین کرکان خون آشام که اگر فرصت دریدن ما را یابند صبح را بشام نمیکذارند

بچه قوه مقابله کنیم و بکدام آلت مدافعه نتائیم ؟ فقط حرف که مارا بمانی نخواهد رساند اقدامات دروغی نمی نخواهد داد بر از غیرت و حجت لفظی بزرگان که (تاریخ ما بخون سرمان خفتاب نشود کسی قدرت تخطی با ما نخواهد داشت) مترس بیگانگان نخواهد شد باید اسباب کار فراهم نمود و وسائل نامین خویش را مهیا کرد بدیخانه در این دو سال که خود را بیدار و زنده میدانیم نه معنی بیدار را دانسته و نه بفکر زنده ای افتاده ایم حفظ مملکت و نگهداری دولت اگر بیول است که نداریم اگر بعل است که نیست اگر بزور و قوای نظامی است که نداریم اگر با خود حقیقی دولت و ملت است که حرف است اگر یگانگی و نوع پرستی اتباع و وطن است که لفظ است آخر مملکت را که حرف اداره نمی کنند دولت را که عرض و نفاق و جنگ خارجی محاسنات نمی نماید بلکه بزودی ویران کرده و بر باد می دهد عنقریب است که بیداری ما فضاحت و رسوائی بار آورد و اتحادمان مورد سخریه و استهزاء اجانب گردد کسانی که رعایت رعیة و نگهداری مملکت بر عهده آنهاست بعوض دفع مخاطرات اجانب و جلوگیری از تجاوزات خارجه برفع امنیت از داخله و خرابی خانه پرداخته چنان ساکت و آرام نشسته اند که نه بنداری دشمنی در کمین است و نه هزنی گوشه نشین هنوز از دایره شخصیت قدسی فراتر نگذاشته و از اغراض نفسانی دست برنداشته هنوز این همه تجاوزات و تعدیات اجانب را شوخی پنداشته اند — ای بزرگان وطن ای وکلای معظم ای وزرای خیر خواه ای شاه برستان واقعی ای وطن دوستان حقیقی بخدا این بی نظمی و اغتشاش در امور این سهل انگاری مصادر و روسای جمهور این غفلت و عدم مال اندیشی این جبن و مرعوبیت این راحت جوئی بزوگان مملکت ایران را بر باد میدهد و ملت و دولت را بنسای ابدی و زوال دائمی میکشاند گوان رسته احتیاجی که رفع نمودید کجاست از کشور من و استعداد نظامی که از برای دفع مخاطره وطن تهیه نمودید چه شد آن بانک منی که منبع روح دولت و مایه میدانستید ؟ چند اردو در اطراف مملکت تشکیل داده اید گوان قلاع حصنه و استحکامات سرحدی تان چند ترقی در امر فلاح و تجارت خود داده اید شمارا بخدا انصاف دهید باین ترتیبات احتمال نجاتی برای ما خواهد بود ؟ این همت و حجت اولیای دولت ما مارا از قید ذلت و رقت اجانب خلاص خواهد کرد

(خلاصه مذاکرات دار الشوری سه شنبه ۱۲ ربیع الاول)
موا دی چند از قانون انجمن تجارتنی قرائت شد و تصحیح شد هیئتی از وکلا که بمصاحبت رئیس شرفیاب حضور همیونی شده بودند مراجعت کرده مذاکرات انجبارا اظهار داشتند که اعلیحضرت همیونی کمال مساعدت و

همراهی را نسبت باساس مشروطیت داشته و تمام اهتمامات شان در اجرای مواد قانون اساسی است سه مسئله بود که باعلیحضرت القاء شده نموده بودند یکی اینکه قصد مایه در این هیجان اینست که مرتکبین مؤقصد نسبت بذات همیونی استنطاق نشوند تا مطلب محقق شود رفع این شبهه شد که خود مایه و مجلس حاضرند و کوشش دارند که ان اشخاص را دستگیر کرده مجازات سخت شوند مسئله دیگر اینکه اشتباه نموده بودند که هرگاه شروع باستنطاق مامورین دیوانی شود استنطاق از اشخاص از بین می رود این هم رفع شد باینکه این دو مرتبط بهم نیست و منافاتی باهم ندارد مسئله سیم این بود که چنین وانمود کرده بودند که در این مورد مامورین دیوانی مخالفت قانون اساسی نکردند این مطلب هم مدال شد که مخالفت قانون شده بعد از مذاکرات زیاد اعلیحضرت عمام شده باینکه حاجب الدوله و رئیس نظمیة چون جزو نظامی هستند فردا در محکمه وزارت جنگ استنطاق شوند تذکرات از همراهی و مساعدهای اعلیحضرت بعمل آمده گفته شد استنطاق اینها در وزارت جنگ مخالف با قانون است باید در عدلیه حاضر شوند جمعی گفتند عیبی ندارد و منافی با قانون هم نیست زیرا که اجزای نظامی در غیر مورد چنیحه و جنایت در محاکمه عسکریه باید استنطاق شوند (مجلس ختم شد)

(بقیه اخبار شهری)

روزی کتنبه کدینا بود حاجب الدوله و معتضدا استنطاق شوند باز نیامدند لهذا کسایکه برای نظارت حاضر شده بودند بمجلس مقدس رفته اجتماع کثیری از انجمنها و عموم مایه در بهارستان شده خطبهای مهیج و نطقهای مؤثری قرائت می کردند عصر یکشنبه ضعیفه که کویا مادر یا عبال جدر بوده بعدلیه آورده و از او بعضی استنطاقات کردند از قرار معلوم بعضی مطالب مخفی را که کسی گمان نمیکرد بروز داده هنوز چیزی بدرستی معلوم نشده روز دوشنبه نیز بهمان وضع سابق از دحام کثیری در بهارستان شده و هیجان فوق العاده در خلق ظاهر و منتظر تکلیف از مجلس مقدس بودند حجة الاسلام آقای آقا سید عبدالله بهر نحوی بود مایه را ساکت فرموده و از طرف خود و مجلس مقدس وعده اصلاح عمل و آوردن مایه نمودند

هیئت کابینه در آروز بمجلس آمده و اظهار استعفا نمودند ولی رسمیت نیافته پذیرفته نشد و در صدد رفع غائله و اصلاح امر بطوریکه صلاح مملکت و مایه و دوزله باشد بر آمدند و از برای اصلاح ذات الین در این دوسه روزه کاهی پذیرای وزماتی در مجلس مشغول جلوگیری نایره فتنه مفیدین و مخربین دولت و مایه بودند روز سه شنبه

باز
عصر
همایون
ملو
امید
قوه
بامانه
ومف
حبل
لرکا
تقدیر
می
عمر
سور
درو
شما
این
و
باشی
جذ
و تر
تصو
کیا
مشر
خال
بی
آمد
زما
در
و
تیر
خان
حات
کجا
با
صد
ظار
در
کذ

باز خلق دست دست در بهارستان جمع و حاضر شدند طرف عصر دوباره هیئتی از وکلاء در همراهی جناب رئیس بحضور هاپونی مشرف شدند تا بنیایدات حجة عصر و الطراف ملوکانه موجبات اسایش ملة وامنية مملکترا فراهم نمایند امید واریم شخص مقدس شاهنشاهی که خود رئیس قوه مجریه و حافظ قانون می باشند در محافظت آن ومساعدت بامانة توجه شاهانه فرموده و نگذارند تیر مراد مفسدین ومقتنین بین دوله و مملکتار کرآید (تاجه کندمه والایشان)

(مکتوب از کیلان)

توسط جناب مستطاب مدیر محترم جریده فریده
حبل المتین دام اقباله

حضور مبارک امنای معظم مجلس مقدس شیدانته لره که نمیدانیم چه مواقع پیش آمد که ساحت پارلنت راه تفتیش علنی ومخفی ایالات و ولایات را بر خود مسدود می فرماید ما بچاره کان را جب خاک بی اختیارانه وامیدارد عرض کنیم بانسانیه و شرافت و صاحب الزمان سوکنند است بالحس مشاهده میکنیم چهار چوبه این دروازه ایران را متغول اند باکال قوت از جا کنده بجانب شمال گذاشته باز نمایند برای آنکه لمحة نظری در علاج این سامان فرموده که انشاء الله ناموسان بی سیرت نکرده و یا در روز قیامت حجة بر آن انوار طلعه تمام کرده باشیم عرض میکنیم که بر واضح است عادت ملت نامه برای جذب قواء انسان بطرف معذات چنانچه در عادیات جای و تریک و جرس ومسکرات وغیره حساً آشکار است چگونه تصور دارد که ظلم مورث را این اثر نباشد از اهالی کیلان باستانه کراژود چه انحرافی از جاده مستقیم مشروطیه صادر شده که این حکام موروث تمام فساد را باهالی این خاک نسبت میدهند با آنکه خودشان شرمنده این خاکند کدام بی عرض رسیده می نموده و مرتکب مجازات داده سایر اهالی بفرز آمده با جویگری نموده اند و تا بآرسیده کی فرمائید که در طول این زمان استبداد نایره ظلم بیشتر استعمال داشت یا در این زمان در همین کراژود چند زن پستان و چند اطفال خفه شده و چند صد جوانان و پیران بی گناه پوای نفس نشانه تیر در خاک آن سامان پنهانند می توان در کراژود یک خانه پیدا کرد که یک نفر از آنها مقتول ظلم نشده باشد حاشا باز می فهمیم که مجازات سابقه را امروز نباید دادولی سکا مجازات این عمل را دادند و اهالی کیلان مانع شدند با این حال که در تمام کیلان هیچ وقه اتفاق نیفتاده قتل صدیق الزاری را منشاء می کنند و می فرستند یک طرف را غارت می کنند و سید دیگر را بضرر لکد می کشند و اصلا در صدد نیستند که به تفتیشات صحیحه قاتل را دست گیر کنند گفتند چند نفر محرکند و آنها را حبس دارند چرا

از حبس آنان انقلاب نشد اگر خودشان مایل نباشند و می خواهند عنوان را در دست بگیرند و ب مردم ظلم و قاتل را بچنگ نیاورند کردن او را علاینه بزنند کذمی برای اهالی این خاک است این مقدار قال و که در خلق این سامان هویداست تماماً برای حکام موروث ملاحظه فرمایند حاکم رشت سال بسال عوض میشود حکام جزو برقرارند و در همه اوقات کوشش درند حکوم بر قرار باشد و اجزاء آنها برای هدین فقره اغتشاش خودشان روی کار بیایند حضرت اجل آقای ظهیر دام اقباله را حاکم کیلان فرمودید بدیده منت قبول ولی عرض میکنیم چه ضرر دارد امتحاناً مقرر فر که حکومت انزلی و کراژود و طالش دولاب و شال و مسال و فومن و شفت و رودبار و رحمت آباء و قراء خسه و لا هیجان و لنگرود را تغییر دهند از شخصی خودش بگذارند و کوش بحرف احدی و بشورای ملی هم اگر شکایت از ظهیر الدوله = شفاعت وتوصیه را کنار بگذارد و تحقیق کند = ظهیر الدوله خلافی صادر شده او را بردارند بمجرد چهار نفر از مستبدین یا اظهار چند فقر وکلاء یک شهر هم باشد معزول کرده که غرض ما این است امورات در تحت قوانین باشد و اجازه بشود هر مقصر است یا بحرك تقصیرات است بلا استثناء مجازات بدین و آئین تمام امورات سرحدی منظم میشود از جک رفته ایم (ملت کیلان)

تلاکراف از جلقا به طهران

توسط حبل المتین یومیه مجلس من دامت تا میان سلمدار شجاع قراء جوار جلقا ملازعه عظیمی تجارت عمومی تعطیل بنیفر مقتول رضای خدا اجرای اصلاح هستیم (عموم مجاز سر حد ابراهیم ارضرومی محمودزاده)

(اعلان)

چون این بنده نکارنده از طرف ابوی مستطاب ثقة الاسلام آقای حاجی میرزا محمود و دو نفر عموهای خود حضرت مستطاب ملاذ الانام میرزا مصطفی و جناب مستطاب شریعتمدار آقای آقا سلمهم الله تعالی وکالت نامه دارم در محاکم شرع بیعت جواب دادن حضرات عارضین لهذا خدمت آقایانیکه در هر یک از محاکم از ایشان تشکی نمود مستدعی هستم که در هر نقطه که بیل دارند حضار رسیدگی باین حقیر هم اطلاع بدهند تا حاضر شده بدم حرره العاصی عبدالمعظم ابن محمود الحسینی (حسن الحسینی الکاشانی)

(طهران مطبوعه « فاروس »)

تمام اهتمام
به مسئله بود
که قصد ملة
سبب بذات
فع این شبهه
ارند که ان
که دیگر اینکه
دیوانی شود
باینکه این دو
چنین وانمود
مخالفت قانون
فالفات قانون
مستند بر اینکه
طامی هستند
شکرات از
م گفته شد
ن است باید
د و مناف با
بورد چینه
ختم شد)
تعداد استنطاق
حاضر شده
انجمنها و
و نظنها ی
که گویا مادر
استنباطات
که کسی کان
نشده روز
در بهارستان
و منتظر
م آقای آقا
فرموده و
ح عمل و
ظهار استمفا
صدد رفع
ودولة باشد
دوسه روزه
گیری نایره
ز سه شبه